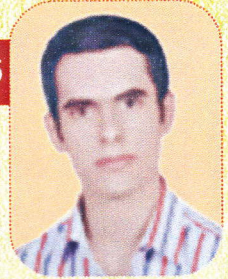


نهضت جنگل علیه «استبداد سلطنت»

محمد زند

دانشجوی کارشناسی رشته ی علوم اجتماعی

مقدمه



تاریخ تنها در بر گیرنده حوادث گذشته و شرح حال زندگانی آنها نیست، تاریخ دورنمای آینده ی بشری نیز خواهد بود.

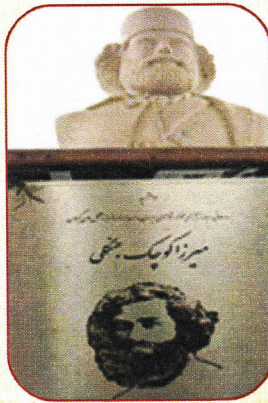
بلکه تاریخ داستان زندگی انسان است، تاریخ جولانگاه شجاعت ها و حماقت ها، نیکی ها و بدی ها، پیروزی ها و شکست ها نیست، تاریخ یعنی گذشته را دیدن، در حال زندگی کردن و آینده را ساختن است. در میان تاریخ جهان سهم کشور ها متفاوت است، اکثر کشور های جهان قدمتی کمتر از چند دهه دارند و قدمت برخی دیگر به چند قرن می رسد و انگشت شمارند، کشور هایی با تاریخی چند هزار ساله که کشور عزیزمان ایران جزء آنهاست، تاریخ این ملت پر از بیم و امید است، سرشار از شیرینی و تلخی، کامیابی و ناکامی است. درس های تاریخ تکرار می شود و افراد پیوسته در معرض آزمون های روزگار هستند و لازمه ی پیروزی از گذرگاه تاریخ داشتن حافظه ای تاریخی است. امید است که فردا بچه های ایران زمین تاریخ سرزمین مادری را که لالایی های شب های شیرین کودکی آنها بود به مردم جهان نشان دهند و هر آنچه مورخان و شرق شناسان غربی با افکار و منافع مختلف بیان می کنند چون لقمه ای نبلعند و خود، آینده سازان این مرز و بوم باشند.

سرگروه واحد تاریخی

محمد زند

نهضت جنگل علیه استبداد سلطنت

میرزا یونس ملقب به میرزا کوچک خان در سال ۱۲۵۹ هجری شمسی در رشت به دنیا آمد. او پس از کسب مقدمات علوم دینی که در حوزه ی علمیه ی صالح آباد گذراند، وارد عرصه سیاست شده و مخالف استبداد و مدافع آزادی بود و از کودکی و جوانی حامی مظلومان و دشمن ستمگران بود و از همین رهگذر بود که با قوای آزادی خواه علیه استبداد صغیر محمدعلی شاهي روانه تهران شد و در جمع صفوف فاتحان تهران درآمد، پس از مشاهده انحراف انقلاب و اعدام شیخ فضل الله نوری، میرزا در اندیشه دیگری افتاد و اسلام و مبانی دین را معیار بهروزی این ملت پر درد دانست. در جریان اشغال ایران توسط دول بیگانه در جنگ جهانی اول پای در میدان نهاد و دست به تشکیل هسته های مقاومت زد، در این هنگام بود که در روسیه خاندان رومانوف انقلاب شد و روسیه به شوروی تغییر نام داد و انقلابیون روسیه با شعار برابری و مالکیت جمعی به قدرت رسیدند و ایران را از قوای خود خالی کردند و روابط حسنه ای با میرزا که برای عدالت می جنگید، برقرار نمودند و سرانجام پس از فتح رشت میرزا در روز ۱۶ خرداد ۱۲۹۹ هجری شمسی اعلام جمهوری کرد اما حکومت جدید روسیه برای رقابت با دشمن دیرینه ی خود، انگلستان با دولت رو به سقوط قاجار و رضا خان سردار سپه دست دوستی داد و پشت نهضت جنگل را خالی کرد. در ۱۲ آبان ۱۳۰۰ رشت به تصرف قوای دولتی در آمد و نهضت جنگل با خیانت یاران میرزا، از هم پاشید از جمله خالو قربان که امیدی در پیروزی میرزا نداشت با هدف نجات خود و کسب منفعت به رضاخان میرپنج پیوست و برخی نیز به شوروی گریختند، اما میرزا بر خلاف همه، نه تسلیم شد و نه پای به فرار گذاشت بلکه برای جمع آوری یارانش به



جنگل رفت ولی در سرمای کوه های تالش یخ زد و در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ توسط خالو قربان سر از تنش جدا شد و سر او به تهران برده شد. نهضت جنگل بر اثر توطئه گران انگلیس و شوروی، استبداد رضاخانی و نفاق داخلی در هم شکست. میرزا هر که بود و هر چه کرد، نقش در آزادی و بیداری داشت و در راه عقیده و آرمان خود جان داد. به گواهی تاریخ عده ای او را تجزیه طلب و سلطه گر خواندند و عده ای او را مرد جهاد و عدالت و آزادی نامیدند. امروزه با رگاهی بر سر مزار سردار جنگل در رشت ساخته شده است که وعده گاه آزادی خواهان است.

روحش شاد و یادش گرامی باد